

فصل هجدهم:

دکتر مصدق با « کیش شخصیت » و « قهرمان پرستی » شدیداً مخالف بود؛

دکتر مصدق بعنوان نخست وزیر در پیام خود در ۱۶ تیر ۱۳۳۰ خطاب به آن عده ای از طرفداران و علاقمندانش که قصد داشتند به پاس خدماتش مجسمه ای از او برپا کنند، می گوید:

« به صدایی رسا که تا پایان حیات و بلکه بعد از مرگ من نیز اثر خود را در ضمیر وطن پرستان باقی بگذارد اعلام می کنم به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود هرکس که بخواهد در حیات و مماتم به نام من بتی بسازد و مجسمه ای بریزد...» (۱۵۵)

دکتر مصدق خود را « خدمتگزار » و « نوکر مردم » ، می نامید و زمانیکه بمقام نخست وزیری انتخاب شد ، یکی از اولین تصمیمات دولت او دستورالعملی بود که به شهربانی کل کشور داد.

« شهربانی کل کشور: در جراید ایران آنچه راجع به شخص اینجانب نگاشته می شود هرچه نوشته باشند و هرکس که نوشته باشد نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد. لیکن در سایر موارد بر وفق مقررات قانون عمل شود. به مأمورین مربوطه دستور لازم در این باب صادر فرمایید که مزاحمتی برای اشخاص فراهم نشود.» (۱۵۶)

در رابطه با نقل قول از پیام ۱۶ تیر ۱۳۳۰ دکتر مصدق در مخالفت با « بت سازی » ، ضروریست خاطر نشان کرد، بازگو کردن و برجسته نمودن ارزشهای هویت سیاسی دکتر مصدق و دفاع از آن ارزش ها و بحث درباره تاریخ دوران معاصر، از جمله اشاره به فعالیت ها و مبارزات دکتر مصدق و روشنگری و افشای عملکرد و اهداف نیروهای وابسته به ارتجاع و بیگانگان در آن دوران را، بهیچوجه نباید بعنوان دفاع از " کیش شخصیت " مصدق و یا " قهرمان پرستی " جلوه داد.

نگارش دقیق تاریخ معاصر ایران می طلبد تا با برخوردی بیطرفانه به مسائل تاریخی ایران از جمله ، انقلاب مشروطیت ، کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ، جنبش ملی شدن صنعت نفت ، قیام سی تیر ۱۳۳۱ ، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ... داشت و وقایع و رویدادها را آنچنان که بوقوع پیوسته اند بازگو کرد و با ارائه تحلیل صحیح از آن وقایع و کوشش در جهت روشن کردن جوانب سیاست ، نظرات و عملکرد شخصیت ها و نیروهای سیاسی ، از جمله شخص دکتر مصدق و نیروهای مخالف او، عمل نمود. روشن است که در هر مرحله تاریخی ، شخصیت های سیاسی نقش مثبت و یا منفی در فعل و انفعالات جامعه داشته اند. تاکید بر واقعیت های تاریخی و اشاره بعملکرد آن افراد ، بهیچوجه بمعنی « بت سازی » نمی تواند و نباید تلقی گردد، چون اگر بنا باشد در باره نکات مثبت و منفی شخصیت های تاریخی اظهار نظر نشود، اصولاً بهتر خواهد بود از تاریخ نویسی صرفنظر کرد و محیط را در اختیار قلم بزمزدها و متقلبین قرار داد!!

محور اصلی اهداف مبارزات و فعالیت های سیلسی دکتر مصدق «دفاع از آزادی و استقلال و حفظ تمامیت ارضی ایران» بود!

ضروریست در رابطه با مسائلی که اشاره رفت مجدداً بر این اصل تاکید کرد، بهیچوجه تمام عملکردها و سیاست های اتخاذ شده از سوی دکتر مصدق در تمام دوران فعالیت های سیاسی و مبارزاتی اش، حتی دوران نخست وزیری اش، خالی از عیب و نقص و کمبود و اشکال نبوده است و همانطور که اشاره رفت هر فردی که در فعالیت های سیاسی - اجتماعی شرکت کند، حتما مرتکب خطاهایی خواهد شد و بهیچوجه دکتر مصدق را نباید استثناء از این امر کلی فرض کرد. اما این واقعیتی است که مصدق همیشه بر اصل محوری اهداف و سمت و سوی مبارزه خود، یعنی دفاع از خواست «آزادی و استقلال و حفظ تمامیت ارضی ایران»، بدون اما و اگر تاکید کرده است. اتفاقاً دکتر مصدق نیز معروف «سیاست موازنه منفی» را بخاطر قطع نفوذ سیاسی انگلیس و پایان دادن به وضع موجود آن زمان، یعنی وجود دولت در دولت، تدوین نمود. همان تزی که بر پایه آن، فردی همچون خلیل ملکی با انشعاب از حزب توده و پیوستن به صفوف نیروهای ملی، نظریه معروف به «نیروی سوم» را مطرح نمود!

اشاره به کمبودها و نقائص و اشتباهات نیروهای طرفدار مصدق و حتی شخص دکتر مصدق، در کنار بازگو کردن توطئه های قدرتهای استعمارگر و عاملین آن ها و نیروهای ارتجاعی و طرفدار استبداد برهبری دربار محمد رضا شاه پهلوی و همچنین اشاره به انحرافات و خطاهای بزرگ حزب توده و چپ روی و رادیکالیسم کاذب حاکم بر بخشی از نیروهای سیاسی از جمله برخی نیروهای طرفدار مصدق، می تواند در تدوین و تنظیم تاریخچه زندگی سیاسی دکتر مصدق و روشن کردن سمت و سوی «راه مصدق»، کمک بزرگی باشد.

همانطور که قبلاً اشاره رفت، حتماً این کتاب خالی از عیب و نقص، کمبود و اشتباهات نخواهد بود، به این امید که صاحب نظران سیاسی و مسائل فرهنگی - اجتماعی از نقد و ارائه پیشنهاد های اصلاحی کوتاهی ننمایند و مرا در پیشبرد این امر خطیر یاری کنند!

با نقل قولی از دکتر مصدق جلد اول این کتاب را بیابان می رسانم.:

«... اشخاص شرافتمند بکسی بد نمیگویند و فحش نمی دهند. اگر نظریاتی دارند میگویند و برای گفته های خود دلیل اقامه میکنند و قضاوت در گفته های خود را بعهده جامعه محول می نمایند. صاحبان عقیده و ایمان از مرگ هم نباید هراس کنند تا چه رسد بفحش ناکسان. چونکه اصل مصلحت اجتماع است. آنجا که مصالح اجتماعی تأمین نباشد مصالح افراد تأمین نخواهد بود و تشخیص اینکه چه اشخاصی روی مصالح جامعه مقاومت میکنند و چه اشخاصی روی مصالح خودشان با مردم است و الحق هم که مردم از عهده این تشخیص خوب بر میآیند. روی این عقیده و ایمان بود که هر چه فحش شنیدم و یا در جراند بی مسلک مزدور خواندم بقدر پر گاهی در من تأثیر نمود و هر وقت بیاد پندی میآدم که مادرم بمن داده بود و آن پند این بود "وزن اشخاص در جامعه بقدر شداندی است که در راه مردم تحمل میکنند" برای مبارزه بیشتر حریص میشدم و خود را بهتر مجهز میکردم...» (۱۵۷)

حواشی ، توضیحات و مأخذ کتاب اول

۱۵۵ - ایرانی، مهندس رضا و دکتر احمد ایرانی ، مبارزات دکتر مصدق، کانون انتشار : لوس آنجلس، چاپ دوم ، سال ۱۳۶۵ ، صفحات ۴۲ و ۴۳ .

- نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مصدق ، اسفند ۱۳۴۶ ، مقدمه ناشر کتاب، صفحه ۲ .

- روزنامه باختر امروز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ و روزنامه کیهان ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ .

۱۵۶ - نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ، انتشارات مصدق ، اسفند ۱۳۴۶ ، صفحه ۵۵ .

- روزنامه کیهان ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۰ .

۱۵۷ - مصدق، دکتر محمد، خاطرات و تألمات ، صفحه ۲۴۹ ،